

معمای قتل هولناک «نادیا کوچولو»

جسد دختر 7 ساله در حالی 24 ساعت پس از گم شدنش پیدا شد که به طرز هولناکی به قتل رسیده و او را داخل یک کیسه پارچه‌ای درون گودالی انداخته بودند.

به گزارش «مادران و دختران» به نقل از ایران ساعت 13:15 ظهر دوشنبه 9 مرداد مادر کم‌کم سفره ناهار را در اتاق پهن کرد و یکی‌یکی بچه‌هایش را صدا زد تا برای صرف ناهار به اتاق بیایند. در همین موقع نادیا کوچولو به مادر گفت که برای شستن دست‌هایش به حیاط می‌رود اما این آخرین باری بود که مادر دختر 7 ساله‌اش را دید. دقایقی گذشت اما نادیا به اتاق برگشت. مادر و خواهر و برادرها به دنبال او به حیاط رفتند اما اثری از بچه نبود و دخترک به طرز مرموزی ناپدید شده بود.

مادر به تصور اینکه نادیا به دوشنبه بازار رفته، کمی صبر کرد. خانه آنها در محله میمنت‌آباد شهرک قلعه‌میر بود و دوشنبه‌ها دستفروش‌ها در نزدیکی خانه آنها بساط می‌کردند و با این احتمال که دخترک به تماشای بازار رفته است، چندان پیگیر ماجرا نشدند. ساعت 6 بعد از ظهر بود که پدر نادیا از محل کار به خانه برگشت و مادر که نگران و بی‌تاب دخترش بود، بلافاصله ماجرای ناپدید شدن او را خبر داد و پدر بی‌معطلی به جست‌وجو برای یافتن نادیا پرداخت.

گزارش ناپدید شدن

پدر نادیا در رابطه با ناپدید شدن دخترش به خبرنگار ما گفت: به خانه که رسیدم، خبر ناپدید شدن دخترم را به من دادند. خیلی تعجب کردم، چطور ممکن بود دخترم برای شستن دست‌هایش به حیاط رفته باشد و دیگر برنگردد. اطراف را جست‌وجو کردیم اما هیچ ردی از او به دست نیاوردیم.

پدر نادیا گفت: من 40 روز قبل از عید، قانونی از افغانستان به ایران آمدم و همسر و 11 بچام هم بعد از من به ایران آمدند. در یک خانه کوچک اجاره‌ای زندگی می‌کردیم و با کسی هم مشکلی نداشتیم. وقتی فهمیدم دخترم گم شده، با خانواده‌ام همه اطراف را گشتیم و از دوست و آشنا هم سراغش را گرفتیم اما بی‌فایده بود. به مرد بنگاه‌داری که برایمان خانه پیدا کرده بود، موضوع را گفتم و او گفت از مسجد محل پرسوجو کن اما از اهالی مسجد هم کسی بچام را

ندیده بود. دوباره رفتم بنگاهی محل و او به من گفت با پلیس تماس بگیرم.

پس از اعلام گم شدن بچه به پلیس مأموران پلیس آگاهی بهارستان وارد عمل شده و تحقیقات برای یافتن دخترک آغاز شد. تصویر دختر گمشده به مأموران داده شد و همزمان خانواده نادیا، عکس او را در فضای مجازی و در محله منتشر کردند. با این امید که شاید کسی دخترشان را دیده باشد و بتواند خبری از او به آنها بدهد.

کشف جسد در نزدیکی خانه

پدر نادیا ادامه داد: عکسهای بچام را به همه جا ارسال کردیم و از پلیس آگاهی هم آمدند و دوربینهای اطراف را بازبینی کردند اما بازهم از دخترم ردی به دست نیامد. ما محله را می‌گشتیم و چند نفری هم به ما آدرس اشتباه دادند و گفتند نادیا را در فلان محل یا منطقه دیده‌اند. ما هم به چند گروه تقسیم شده بودیم و هر کدام به یک قسمت می‌رفتیم اما بازهم از نادیا خبری به دست نیامد.

روز بعد سه‌شنبه ساعت حدود سه بعد از ظهر بود و همچنان تلاش برای یافتن دخترک ادامه داشت تا اینکه ناگهان مکالمه دو مرد توجه عمه نادیا را که در خیابان به دنبال او می‌گشت، جلب کرد.

به دنبال صدا، مرد معتادی را دید که با صدای بلند به مرد آرایشگری که در نزدیکی خانه‌شان مغازه داشته، گفت: معلوم نیست داخل گونی چی هست؟

این در حالی بود که مرد معتاد با چوب به کیسه پارچه‌ای آبی و سفید رنگ می‌زد. مرد آرایشگر به سمت مرد معتاد رفت و زمانی که در کیسه پارچه‌ای که داخل گودالی افتاده بود و آن را با طناب سیاهی بسته بودند، باز کرد، ناگهان از ترس یک قدم به عقب رفت و زیر لب چیزی گفت. او با دیدن جسد دختر بچه وحشتزده شروع به فریاد کشیدن کرد. عمه نادیا با شنیدن صدا به طرف آنها دوید و وقتی چشمش به جسد نادیا افتاد، شروع به فریاد زدن کرد.

شروع تحقیقات پلیسی

پس از کشف جسد و حضور مأموران پلیس غرب استان تهران در محل بلافاصله تحقیقات آغاز شد و جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی فرستاده شد. در این رابطه چند مظنون نیز دستگیر شدند.

برادر نادیا در این باره گفت: ما نه دشمن داریم و نه وضعیت مالی خوبی داریم که کسی به خاطر اخاذی خواهرم را دزدیده باشد. مأموران گفتند زمان قتل بین ساعت 12 شب تا 4 صبح بوده است.